



شفاعت در احادیث اسلامی

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) و جانشینان راستین راه به پیروی از [قرآن مجید](#) موضوع [شفاعت](#) را در سخنن خود یاد کرده و آن را بصورت یک اصل مسلم اسلامی که دارای حدود و شرائطی می‌باشد بیان نموده‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱ - روایت مربوط به شفاعت
- ۲ - احادیث از کتب اهل تسنن
- ۳ - احادیث از کتب شیعه
 - ۳.۱ - روایت پیامبر
 - ۳.۲ - روایت امام علی
 - ۳.۳ - روایت امام مجتبی
 - ۳.۴ - روایت امام حسین
 - ۳.۵ - روایت امام سجاد
 - ۳.۶ - روایت امام باقر
 - ۳.۷ - روایت امام صادق
 - ۳.۸ - روایت امام کاظم
 - ۳.۹ - روایت امام رضا
 - ۳.۱۰ - روایت امام هادی
 - ۳.۱۱ - روایت امام عسکری
- ۴ - نکاتی درباره روایت شفاعت
 - ۴.۱ - جمع بین روایات
 - ۴.۲ - اقسام روایت شفاعت
- ۵ - مدارک روایت
 - ۵.۱ - کتابهای شیعه
 - ۵.۲ - کتابهای اهل تسنن
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

روایات مربوط به شفاعت

روایات مربوط به [شفاعت](#) بیش از آن است که بتوان در چند صفحه گردآوری کرد و ما در این بخش فقط یکصد [حدیث](#) از احادیث این باب را انتخاب و نقل کرده‌ایم و چون این [روایت](#) از نظر اثبات اصل شفاعت متواتر و قطعی است دیگر نیازی ندارد که در اسناد آن بحث و گفتگو کنیم، آری اگر روایتی دارای نکته‌ای باشد که در دیگر احادیث موجود نباشد، اثبات آن نکته به اثبات صحت سند آن روایت بستگی خواهد داشت.

از این صد روایت، چهل و پنج روایت را از کتابهای [اهل تسنن](#) که همه آنها از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده و پنجاه و پنج روایت را از کتابهای شیعه که از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) و [امیر مؤمنان](#) و فرزندان معصوم او (علیه السلام) روایت شده است انتخاب کرده‌ایم. در انتخاب روایات سعی شده است از آوردن روایات طولانی و نیز از آوردن روایاتی که مربوط به شفاعت در [آخرت](#) نبوده، و نیز روایاتی که متن آنها احتیاج به شرح و توضیح داشته باشد و یا احیاناً متن آنها از جهتی مورد اشکال بوده، خودداری شود، و ضمناً روایات انتخاب شده هم گاهی تلخیص شده و همان قسمتی را که مربوط به مسأله مورد بحث بوده، ذکر نموده‌ایم، اما در عین حال کوشش شده که مضامین همه روایات این باب در این صد حدیث گنجانیده شود، تا در نتیجه‌گیری از روایات نقصی در کار نباشد و در ترجمه روایات هدف این بوده که معنای حدیث به طور مفهوم نوشته شود گرچه از ترجمه تحت الفظی خارج باشد.

احادیث از کتب اهل تسنن

- ۱ - پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «لکل نبی دعوہ مستجابہ فتعجل کل نبی دعوته و انی اختلفت دعوته شفاعه لامتی فهی نائله من ملت منه لا یشرک بالله شیئاً» [۱] این ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۰.

[۱۱] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

[۱۲] مالک بن انس، موطا مالک، ج ۱، ص ۱۶۶.

[۱۳] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۰.

[۱۴] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، دارمی، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵.

[۱۵] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۸۹.

[۱۶] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۶۷.

خداوند بزرگ برای هر پیامبری دعاء مستجابی قرار داده است، پیامبران گذشته در همین دنیا از آن استفاده کردند، اما من آن دعا را برای شفاعت کردن امت خود در آخرت نگاه داشته‌ام، شفاعت من نصیب افرادی از امت خواهد شد که، با ایمان از دنیا بروند و **مشرك** نباشند، (زیرا شرک مانع از شفاعت می‌گردد).

۲- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «اعطیت خمساً... واعطیت الشفاعه فاخرتها لامتی فهی لمن لا یشرك بالله شیئاً».

[۱۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۲، ص ۵۱۲.

[۱۸] نسائی، حافظ، نسائی، حافظ، سن نسائی، ج ۱، ص ۱۷۲.

[۱۹] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۶۰۳.

[۲۰] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۷۳.

[۲۱] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۵.

[۲۲] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۳۴۳.

[۲۳] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۴.

خداوند بزرگ به من پنج امتیاز اعطا کرده است... یکی از آنها شفاعت است که آنرا برای امت خود نگاه داشته‌ام، شفاعت برای کسانی است که مشرک نباشند».

۳- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «شفاعتی نانله ان شاءالله من ملت لا یشرك بالله شیئاً»

[۲۴] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

«شفاعت من بخواست خدا به کسانی می‌رسد که با ایمان از دنیا بروند و مشرک نباشند».

۴- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «قوله عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً؛ هوالمقام الذی اشفع لامتی فیهم».

[۲۵] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۴۲۷.

[۲۶] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۱، ص ۱۸۵.

[۲۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۴۸۹.

[۲۸] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۸.

«مقام محمود که در آیه ۷۹ **سوره بنی اسرائیل** آمده است، همان مقلمی است که در آن برای امت شفاعت می‌کنم».

۵- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «انا اول شافع و اول مشفع».

[۲۹] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۷.

[۳۰] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۹۴.

من نخستین کسی خواهم بود که شفاعت می‌کند و اولین کسی خواهم بود که شفاعت او پذیرفته می‌شود».

۶- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «شفاعتی لمن شهد ان لا اله الا الله مخلصاً یصدق قلبه لسانه و لسانه قلبه».

[۳۱] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۴۱۷.

[۳۲] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۳، ص ۴۳۲.

شفاعت من برای کسی است که به خدای یگانه ایمان داشته باشد و زبان و قلبش یکی باشد.

۷- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمود: «ان شفاعتی یوم القیامه لاهل الکبائر من امتی».

[۳۳] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.

[۳۴] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۰، ص ۴۳۹.

[۳۵] سجستانی، ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۳۶.

[۳۶] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۵.

شفاعت من در روز **قیامت** برای کسانی از امتم خواهد بود که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند».

۸- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در ضمن حدیثی فرمود: «رأیت ماتلتی امتی بعدی (ای من الذنوب) فسالت الله ان یولینی شفاعه یوم القیامه فیهم ففعل...»

[۳۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۴۵، ص ۳۳۹.

چون دیدم که امت من از پس من به **گناه** آلوده می‌شوند از خدای متعال خواستم که به من مقام شفاعت بدهد تا در روز قیامت برای آنها شفاعت کنم و خدای متعال هم خواسته مرا برآورد».

۹- پیامبر فرمود: «اسعد الناس بشفاعتی یوم القیامه من قال لا اله الا الله خالصاً من قلبه او نفساً».

[۳۸] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۱.

بیش از همه کسانی به شفاعت من در روز قیامت خوشبخت می‌شوند که قبلاً و از روی **اخلاص** به خدا ایمان داشته باشند.

۱۰- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در ضمن حدیثی فرمود: «انا اول شافع فی الجنه».

[۳۹] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۸۸.

[۴۰] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۹۸.

«من اولین کسی هستم که در **بهشت** شفاعت می‌کنم».

۱۱- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در ضمن حدیثی فرمود: «شفاعتی لكل مسلم».

[۴۱] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۴.

«هر کس **مسلم** باشد از شفاعت من بهره‌مند خواهد شد».

۱۲- پیامبر فرمود: «اذا کان یوم القیامه کنت امام النبیین و خطیبهم و صاحب شفاعتهم غیر فخر».

[۳۳] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.

[۳۴] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

هنگامی که قیامت بر پا شود من پیشوای پیامبران، و سخن گوی ایشان، و صاحب شفاعت ایشان خواهم بود، ولی بخاطر داشتن این مقامها به کسی فخر نمی‌کنم. ۱۳- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «انا سید ولد آدم... و اول شافع و اول مشفع و لافخر...»

[۳۵] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۰.

[۳۶] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۲.

[۳۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۵۷۰.

من آقای فرزندان آدم... و اولین کسی هستم که شفاعت خواهد کرد و اولین کسی هستم که شفاعت او پذیرفته خواهد شد ولی برای داشتن این مقامها به کسی فخر نمی‌کنم. ۱۴- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «انی لا رجوان اشفع یوم القیامه عدد ما علی الارض من شجره و مدره».

[۳۸] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۸، ص ۲۹.

من امیدوارم که به عدد درختان و گلوهائی که روی زمین است در روز قیامت از مسلمانان شفاعت کنم.

۱۵- پیامبر فرمود: «لیخرجن قوم من امتی من النار بشفاعتی بسمون الجهنمیین». (و شاید ترجمه حدیث این باشد: «گروهی از امتم که به این نام «جهنمیها» نامیده می‌شوند به شفاعت من از آتش جهنم آزاد می‌شوند»)

[۳۹] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۷۱۵.

[۴۰] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

[۴۱] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۳، ص ۱۲۸.

[۴۲] سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۳۶.

گروهی از امتم به شفاعت من از آتش خارج می‌شوند و به این نام «جهنمیان» نامیده می‌شوند.

یعنی کسانی که اهل جهنم بودند و در پرتو شفاعت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نجات یافتند.

۱۶- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ضمن حدیثی فرمود: «خیرت بین الشفاعة و بین ان یدخل نصف امتی الجنة فاخترت الشفاعة لانها اعم واکفی اترونها للمتقین لا ولکنها للمذنبین الخطائین المتلوثین».

[۴۳] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.

مخیر شدم میان دو موضوع ۱- شفاعت ۲- این که نیمی از امتم بهشتی باشند پس من شفاعت را برگزیدم زیرا شفاعت دامن‌ش وسیعتر و برای نجات امت کافی‌تر بود، آیا شما فکر می‌کنید که شفاعت برای پرهیزگاران است؟ نه بلکه برای کسانی است که گناهکار و خطا کار و آلوده باشند.

۱۷- ابوذر می‌گوید: «صلی رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) لیله فقرا بآیه حتی اصبح یرکع بها و یسجد بها: «ان تعذبهم فانهم عبادک و ان تغفرلهم انت العزیز الحکیم» فلما اصبح قلت یا رسول الله ما لالت تفره هذه الایه حتی اصبحت ترکع بها و تسجد بها قال: انی سالت ربی عزوجل الشفاعة لامتی فاعطانیها فهی نائله ان شاء الله لمن لا یشرک بالله عزوجل شیئا».

[۴۴] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۲۵۶.

شبی تا صبح رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نماز می‌خواند و رکوع و سجود می‌کرد و پیوسته آیه ۱۱۹ سوره مائده را می‌خواند چون صبح شد جهتش را پرسیدم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: من از پروردگار عزوجل شفاعت امتم را خواستم و او خواسته مرا بر آورد پس شفاعت من به خواست خدا به کسانی می‌رسد که مشرک نباشند و ایمان به خدا داشته باشند».

۱۸- پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حدیثی فرمود: «یشفع النبیون و الملائکه و المؤمنون فیقول الجبار بقیبت شفاعتی».

[۴۵] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۲۹.

[۴۶] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳، ص ۹۴.

پیامبران و فرشتگان و مؤمنان شفاعت می‌کنند آن گاه خدای متعال می‌فرماید: شفاعت من باقی مانده است، یعنی گروهی از آنها که به شفاعت کنندگان نجات نمی‌یابند باز مشمول رحمت الهی خواهند شد.

۱۹- پیامبر فرمود: «ان الله یدخر قوماً من النار بالشفاعة».

[۴۷] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۷۸.

[۴۸] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۱۵.

خداوند گروهی را به وسیله شفاعت شفاعت کنندگان از آتش جهنم خارج می‌کند

۲۰- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «یشفع یوم القیامه الانبیاء ثم العلماء ثم الشهداء».

[۴۹] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.

روز قیامت به ترتیب پیامبران و سپس دانشمندان و سپس شهیدان در راه خدا شفاعت می‌کنند.

۲۱- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حدیثی فرمود: «فاذا فرغ الله عزوجل من القضاء بین خلقه و اخرج من النار من یریدان یدخر امر الله الملائکه و الرسول ان تشفع فیعر فون بعلاماتهم ان النار تاكل کل شی من این ام الاموضع السجود...»

[۵۰] نسائی، حافظ بن نسائی، ج ۲، ص ۲۲۹.

هنگامی که خداوند از داوری میل بندگان فراغت یافت، و آنان را که می‌خواست از آتش در آورد؛ امر می‌کنند فرشتگان و پیامبران، شفاعت کنند و کسانی که باید شفاعت شوند نشانهای دارند که با آنان نشانه شناخته می‌شود، و آن این است که چون اهل سجده و نماز بوده‌اند آتش دوزخ پیشانی آنان را نمی‌سوزاند».

۲۲- پیامبر گرامی ضمن حدیثی فرمود: «فیؤذن للملائکه و النبیین و الشهداء ان یشفعوا فیشفعون و یخرجون من کل فی قلبه مایزن ذره من ایمان»

[۵۱] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۴، ص ۹۰.

پس اجازه داده می‌شود که فرشتگان و پیامبران و شهداء شفاعت کنند، آنگاه آنان شفاعت می‌کنند و هر کس را که ذره‌ای ایمان در قلب او باشد از آتش جهنم خارج می‌کنند».

۲۳- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «اذا میز اهل الجنة و اهل النار فدخل اهل الجنة الجنة و اهل النار النار قامت الرسل فشفعوا».

[۵۲] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۲، ص ۳۷۴.

هنگامی که اهل بهشت و جهنم از هم جدا شوند و اهل بهشت به بهشت و اهل جهنم به جهنم جای گیرند؛ در آن هنگام پیامبران به شفاعت می‌پردازند»

۲۴- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ضمن حدیثی فرمود: «یشفع الانبیاء فی کل من کل یشهدان لا اله الا الله مخلصاً فیخرجونهم منها»

[۵۳] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۴۱.

«پیامبران برای کسانی که از روی **اخلاص** به یگانگی خدا گواهی می‌دهند شفاعت می‌کنند و آنان را از جهنم خارج می‌کنند» ۲۵ - «انه (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) ذکر الشفاعة فقال ان الناس يعرضون على جسر جهنم... و بجنتيه الملائكة يقولون اللهم سلم سلم...» .

[۵۴] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۹۵.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) از موضوع شفاعت یاد کرد، آنگاه فرمود: هنگامی که مردم می‌خواهند از پل جهنم بگذرند فرشتگانی که در دو طرف پل هستند آنان را **دعا** می‌کنند (و شفاعت می‌کنند) که از این موقف خطرناک به سلامت بگذارند.

۲۶ - پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) در حدیثی فرمود: «اما اهل النار الذین هم اهلها فلا يموتون فيها ولا يحيى ولكن نلس اصابتهم نار بذنوبهم او بخطاياهم فاماتهم اماته حتى اذا كانوا فحماً اذن في الشفاعة فيخرجون ضبائر ضبائر».

[۵۵] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۵۹.

[۵۶] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۱.

[۵۷] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۸.

[۵۸] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۳۴.

اما آنان که مشرک و اهل جهنم هستند که برای همیشه در آن مخلد خواهند بود، نه می‌میرند و نه **زنده** می‌شوند، ولی آنان که ایمان بخدا داشته‌اند اما بخاطر گناهان و خطاهایشان گرفتار آتش جهنم شده‌اند منتها در جهنم می‌مانند تا اجازه شفاعت داده می‌شود، و آنگاه به توسط شفاعت کنندگان، گروه گروه از آتش خلاص می‌گردند.

۲۷ - پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) در حدیثی فرمود: «فیشفعون حتى يخرج من قال لا اله الا الله ممن في قلبه ميزان شعير».

[۵۹] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۳، ص ۶۳.

آنگاه شفاعت می‌شوند تا آنکه هر کس که حتی یک جو ایمان واقعی داشته باشد از آتش جهنم خلاص می‌شود.

۲۸ - پیامبر گرامی فرمود: «يشفع الشهيد في سبعين انساناً من اهل بيته».

[۶۰] سجستانی، ابی داود، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۵.

[۶۱] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۴۱۹.

[۶۲] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۸۷.

شهید در راه خدا برای هفتاد نفر از خویشاوندان خود شفاعت می‌کند.

۲۹ - **علی (علیه‌السلام)** از پیغمبر گرامی نقل می‌کند: «من تعلم القرآن (من قرا القرآن) فاستظهره فاحل حلاله و حرم حرامه ادخله الله به الجنة و شفعه فی عشره من اهل بيته كلهم قد وجبت له النار».

[۶۳] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۱.

[۶۴] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۸.

[۶۵] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۶.

«کسی که **قرآن** را یاد بگیرد (کسی که قرآن را بخواند) و آن را حفظ کند و **حلال** آن را حلال، و **حرام** آن را حرام بداند (مقید به احکام قرآن باشد) خداوند او را به واسطه اهل قرآن بودن، اهل بهشت قرار می‌دهد و شفاعت او را درباره ده نفر از خویشاوندانش که همه مستحق آتش باشند می‌پذیرد».

۳۰ - پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) در ضمن حدیثی فرمود: «اذا بلغ الرجل التسعين غفر الله ما تقم من ذنبه و ما تلخر و سمى اسير الله في الارض و شفع في اهله».

[۶۶] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۹، ص ۴۴۵.

[۶۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۱۸.

«هنگامی که یک انسان (**مؤمن**) به نود سالگی برسد خداوند گناهان او را می‌آمرزد و شفاعت او را درباره خویشاوندانش می‌پذیرد». «ربيعه و مضر» یا به اندازه جمعیت هر دوی آنها وارد بهشت می‌شوند.

۳۱ - پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) فرمود: «ان الرجل من امتي ليشفع للنفام من الناس فيدخلون الجنة و ان الرجل ليشفع للقبيله و ان الرجل ليشفع للعصبه و ان الرجل ليشفع للثلاثة و للرجلين و للرجل».

[۶۸] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۳۶.

[۶۹] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۸، ص ۱۴۹.

[۷۰] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۷.

«مردی از امت من برای گروهی زیادی از مردم شفاعت می‌کنند. و مردم برای یک قبيله و طایفه، و مردی برای خویشاوندان خود، و مردی برای سه نفر، و مردی برای دو نفر، و برخی برای یک نفر شفاعت می‌کنند».

یعنی هر که نزد خدا مقربتر باشد بیشتر شفاعت می‌کند.

پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) فرمود: «بصفت الناس (اهل الجنة) صوفوا فيمر الرجل من اهل النار على الرجل فيقول يا فلان اما تذكر يوم استقيت فسقيتك شر به قال فيشفع له و يمر الرجل فيقول اما تذكر يوم ناولتك طهوراً فيشفع له».

[۷۱] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۱۵.

«اهل بهشت در صفهائی صف می‌کشند. آنگاه یکی از اهل جهنم بر یکی از اهل بهشت می‌گذرد و به او می‌گوید: آیا یاد داری که یک روز از من **آب** خواستی و من ترا سیراب کردم (پس اینجا بمن کمک کن) در این موقع آن شخصی که اهل بهشت است برای او شفاعت می‌کند. و همچنین یکی از اهل جهنم بر یکی از اهل بهشت می‌گذرد و به او می‌گوید: آیا به خاطر داری که روزی آب **وضو** به تو دادم (پس اینجا مرا یاری کن) پس آن شخص او را شفاعت می‌کند».

۳۲ - پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) در حدیثی فرمود: «لا يصبر على لاوانها (ای المدینه) و شدتها الا كنت له شافعياً يوم القيامة».

[۷۲] مالک بن انس، مالک بن انس، موطامالک، ج ۲، ص ۵۴.

[۷۳] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

[۷۴] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۴، ص ۱۷۰.

«هر کس در شهر **مدینه** بماند و بر **گر سنگی** و سختی آن **صبر** کند من در روز قیامت شافع یا گواه او خواهم بود».

یعنی اگر گناهکار باشد **شفیع** او، و اگر اهل طاعت باشد گواه او می‌باشم.

۳۳ - از پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) ضمن حدیثی نقل شده است: قال لخادمه ما حاجتك قال: حاجتي ان تشفع لي يوم القيامة قال و من ذلك على هذا قال ربي قال اما فاعني بكثره السجود».

[۷۵] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۵، ص ۴۷۹.

«که به خادم خود فرمود: حاجت تو چیست گفت: حاجتم این است که در روز قیامت مرا شفاعت کنی فرمود: این مطلب را که به تو آموخت؟ گفت: پروردگرم (به دلم الهام شد) فرمود پس مرا با کثرت سجده بر این کار یاری کن. یعنی **عبادت** تو موجب می شود من بهتر بتوانم تو را شفاعت کنم.»
۳۴ - پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «من صلی محمد و قال اللهم انزل له المقعد عندک يوم القيامة وجب له شفاعتی.»

[۷۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۲۰۱.

«هر کسی بر من **صلوات** و نود و بفرستد و بگوید: بارلها! او را در روز قیامت به مقام قرب خود جای ده شفاعت من برای او **واجب** می شود.»
یعنی حتماً او را شفاعت می کنم.

۳۵ - پیامبر گرامی فرمود: «من قال حين يسمع النداء «اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوات القائمة أت محمد الوسيله و الفضيله و ابعثه مقاماً محموداً الذي وعدته حلت له شفاعتی يوم القيامة»

[۷۸] بخاری، محمد بن اسماعیل، بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۶.

[۷۹] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۳، ص ۱۳۰.

[۸۰] ابن ماجه، محمد، ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۹.

[۸۱] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۱، ص ۴۱۳.

[۸۲] سجستانی، ابی داود، سجستانی، ابی داود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۶.

«هر کس هنگامی که **اذان** را می شنود این دعا را «اللهم رب...» بخواند بر من لازم می شود در روز قیامت او را شفاعت کنم.»

۳۶ - پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «إذا سمعت المؤمن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علی فانه من صلی علی صلوات الله علیه عشرأ ثم سلوا الله عزوجل لی الوسيله... فمن سال الله لی الوسيله حلت علیه الشفاعه»

[۸۳] سجستانی، ابی داود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۴.

[۸۴] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۸۸.

[۸۵] ترمذی، محمد، ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.

[۸۶] نسائی، حافظ، نسائی، حافظ، سنن نسائی، ج ۲، ص ۲۵.

[۸۷] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

«هنگامی که صدای **مؤذن** را شنید پس هر چه او می گوید شما هم بگوئید (جمله های اذان را بازگو کنید) سپس بر من صلوات بفرستید زیرا هر کس یکبار بر من صلوات بفرستد خدای متعال ده بار بر او نود و **رحمت** می فرستد. سپس از خدا برای من «مقام وسیله» که مقامی است بس بلند بخواهید هر کس این مقام را برای من بخواهد شفاعت من به او می رسد.»

احادیث از کتب شیعه

در کتب **شیعه** روایت زیادی در مورد شفاعت ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می گردند:

← روایت پیامبر

۱ - پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «انی لاشفع يوم القيامة فاشفع و يشفع علی فیشفع و يشفع اهل بیتی فیشفعون.»

[۸۸] **سروی مازندرانی**، ابن شهر آشوب، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۵.

[۸۹] **طبرسی**، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۲.

من در روز قیامت شفاعت می کنم و شفاعتم پذیرفته می شود و علی هم شفاعت می کند و شفاعت او نیز پذیرفته می شود و اهل بیت من نیز شفاعت می کنند و شفاعت آنان هم پذیرفته می شود.»

۲ - پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «اعطیت خمساً... اعطیت الشفاعه».

[۹۰] **صدوق**، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱.

خداوند به من پنج امتیاز اعطا کرده است... یکی از آنها شفاعت است.»

۳ - ابوذر و **سلمان** از پیامبر روایت می کنند: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) ان الله اعطانی مساله فادخرت مسالتي لشفاعه المؤمنین من امتی يوم القيامة ففعل ذلك»

[۹۱] **محمد بن حسن**، طوسی، الامالی، ص ۵۷.

«که آن حضرت فرمود: خداوند به من یک درخواست برآورده عطا کرد، (دعا مستجاب) پس من آن را برای شفاعت افراد باایمان امتم در روز قیامت نگاه داشتم. و خدای متعال هم پذیرفت.»

۴ - پیامبر فرمود: «ان من امتی من سید خل الله الجنه بشفاعته اکثر من مضر».

[۹۲] **طبرسی**، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۸۸.

«در امت من کسانی هستند که برای جمعیتی بیش از جمعیت قبیله (مضر) (قبیله ای پر جمعیت از عرب) شفاعت می کنند.»

۵ - پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی».

[۹۳] **صدوق**، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۶.

همانا شفاعت من برای گناهکاران امتم خواهد بود که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند.»

۶ - پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «الشفعاء خمسہ القرآن و الرحم و الامانه و نبیکم و اهل بیت نبیکم».

[۹۴] **سروی مازندرانی**، ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۱۴.

شفاعت کنندگان پنج چیزاند: ۱ - قرآن ۲ - خویشاوندان ۳ - **امانت** ۴ - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ۵ - **اهل بیت (علیهم السلام)**.

۷ - از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود: «... ان أدنی المؤمنین شفاعه لیشفع فی أربعین من إخوانه»

«از مؤمنین آن که از همه کمتر شفاعت می کند برای چهل نفر از برادران ایمانی خود شفاعت خواهد کرد».

[۹۵] [سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۳.](#)

← روایت امام علی

۱- علی (علیه السلام) در حدیثی فرمود: «لنا شفاعه و لاهل مودتنا شفاعه»
[۹۶] [صدوق، محمد بن علی، خصال صدوق، ص ۶۲۴.](#)

«ما شفاعت می کنیم و دوستان ما هم شفاعت می کنند».

۲- علی (علیه السلام) می فرماید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «ثلاثه یشفعون الی الله عزوجل فیشفعون الانبیاء ثم العلماء ثم الشهداء».
[۹۷] [صدوق، محمد بن علی، خصال، ص ۱۵۶.](#)

«سه دسته هستند که در پیشگاه خداوند شفاعت می کنند و شفاعت آنان پذیرفته می شود: ۱- پیامبران ۲- دانشمندان دینی. ۳- شهدای راه خدا».
۳- علی (علیه السلام) به فرزندش [محمد بن الحنفیه](#) سفارش می کند: «اقبل من متصل عذره فتتالك الشفاعه».
[۹۸] [صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۱.](#)

«پوزش کسی را که از تو عذر خواهی می کند بپذیر تا شفاعت نصیب تو گردد».

۴- علی (علیه السلام) فرمود: «اعلموا انه (ای القرآن) شافع و مشفع و قائل و مصدق و انه من شفع له القرآن یوم القیامه شفع فیهم».
[۹۹] [امام علی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹.](#)

«بدانید که قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعت او پذیرفته می شود، و گوینده ای است که گفتار او تصدیق می شود، و قرآن برای هر کس در روز قیامت شفاعت کند شفاعتش درباره او پذیرفته خواهد شد».

۵- علی (علیه السلام) فرمود: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) اذا قمت المقام المحمود تشفعت فی اصحاب الکبائر من امتی فیشفعنی الله فیهم والله لا تشفعت فیمن اذی ذریتی»
[۱۰۰] [صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۳۷۰.](#)

«رسول گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هنگامی که در مقام محمود (مقام شفاعت) قرار گیرم، برای آن افراد از امتم که مرتکب گناهان بزرگ شده اند شفاعت می کنم. و خدای متعال شفاعتم را درباره آنان می پذیرد. به خدا [سوگند](#) برای کسانی که ذریه و فرزندان مرا آزار کرده باشند شفاعت نمی کنم».

← روایت امام مجتبی

۱- [امام حسین \(علیه السلام\)](#) فرمود: «ان النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) قال فی جواب نفر من الیهود سالوه عن مسائل: و اما شفاعتی ففی اصحاب الکبائر ما خلا اهل الشرك و الظلم».
[۱۰۱] [صدوق، محمد بن علی، خصال، ص ۳۵۵.](#)

«رسول گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) در ضمن پاسخ آن دسته از [یهود](#)، که مسائلی از آن گرامی پرسیده بودند فرمود: شفاعت من برای کسانی است که مرتکب [گناه](#) شده باشند، غیر از شرک به خدا و ستمکاری» (که این دو مانع از شفاعت می گردد).

← روایت امام حسین

۱- از [امام حسین \(علیه السلام\)](#) روایت شده است که هنگام خروج از مدینه (در داستان [کربلا](#)) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در خواب به آن گرامی فرزند خود فرمود: «حبیبی یا حسین کانی اراک عن قریب مرملابد مانک مذیوحاً بارض کربلاء علی ایدی عصابه من امتی و انت مع ذلک عطشان لا تسقی و ظمآن لا تروی و هم مع ذلک یرجون شفاعتی یوم القیامه».

[۱۰۲] [احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة، ج ۳، ص ۱۱۱.](#)

ای حسین گویا تو را می بینم که به همین زودی بخون خود آغشته می شوی، و در زمین کربلا با لب [تشنه](#) بدست گروهی از امت من کشته می شوی، اینان با این عملشان باز امید به شفاعت من دارند خدا شفاعت مرا نصیبشان نگرداند.

← روایت امام سجاد

۱- در دعای دوم [صحیفه سجادیه](#) چنین آمده است: «عرفه فی اهله الطاهرین و امته المؤمنین من حسن الشفاعه اجل ما وعدته».
[۱۰۳] [امام سجاد، صحیفه سجادیه، دعای دوم، ص ۴۳.](#)

«آنچه به او نوید دادی از شفاعت نیکو درباره خاندان پاک و امت با ایمان او بیشتر از آن عطا فرما».

۲- و در دعای دیگر می گوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و شرف بیانه و عظم برهانه و ثقل میزانه و تقبل شفاعتم».

[۱۰۴] [امام سجاد، صحیفه سجادیه، دعای چهل و دوم، ص ۲۱۵.](#)

«خدایا درود بر محمد و آل محمد فرست و پایه او را والا، و حجت او را بزرگتر، و ترازوی او را سنگین تر گردان، و شفاعت او را بپذیر».

← روایت امام باقر

۱ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ان لرسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) شفاعه في امته»
[۱۰۵] برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ص ۱۸۴.

همانا برای رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) است شفاعت کردن در امتش».

۲ - و نیز آن حضرت فرمود: «من تبع جنازه مسلم اعطى يوم القيامة اربع شفاعت...»
[۱۰۶] محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۵۵.

«هر کس جنازه مسلمانی را تشییع کند در روز قیامت چهار شفاعت به او داده می‌شود».

۳ - امام باقر در ضمن حدیثی فرمود: «يشفع الرجل في القبيله و يشفع الرجل لاهل البيت و يشفع الرجل للرجلين على قدر عمله فذلک المقام المحمود».
[۱۰۷] سروی مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۱۴.

«هر کس به قدر عمل خود شفاعت می‌کند، ممکن است یک فرد قبیله‌ای را شفاعت کند، و یا فقط خویشاوندان خود را شفاعت کند؛ و یا دو نفر را شفاعت کند، و این شفاعت کردن همان مقام محمود است» (که در قرآن ذکر شده است).

۴ - امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود: «ان أدنى المؤمنین شفاعه ليشفع لثلاثین إنساناً فعند ذلك يقول أهل النار (فما لنا من شافعين • ولا صدیق حمیم)».
[۱۰۸] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۷.

«مؤمنی که از همه کمتر شفاعت می‌کند سی نفر را شفاعت می‌کند، و چون این شفاعت را اهل جهنم می‌بینند آیه صد و یک سوره شعراء را می‌خوانند که می‌فرماید: (پس شفاعت کننده ای برای ما نیست...)».

← روایت امام صادق

۱ - از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «والله لنشفن لشيعتنا والله لنشفن لشيعتنا والله لنشفن لشيعتنا حتى يقول الناس: فما لنا من شافعين ولا صدیق حمیم».
[۱۰۹] سروی مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب این شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۴.

به خدا سوگند که شیعیان خود را شفاعت می‌کنیم، بخدا سوگند آنان را شفاعت می‌کنیم، بخدا سوگند آنان را شفاعت می‌کنیم تا این که اهل جهنم می‌گویند: پس برای ما شفاعت کنندگانی نیست...»

۲ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لكل مؤمن خمس ساعت يوم القيامة يشفع فيها».
[۱۱۰] صدوق، محمد بن علی، صفات الشيعه صدوق، ص ۳۶.

«برای هر مؤمنی در روز قیامت پنج ساعت است که در آن پنج ساعت شفاعت می‌کند».

۳ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «شفاعتنا لاهل الكبار من شيعيتنا و اما التائبون فان الله عزوجل يقول ما على المحسنين من سبيل».
[۱۱۱] صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۷۴.

«شفاعت ما برای کسانی از شیعیان ما است که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند، اما کسانی که از گناهش توبه کرده باشند (نیکوکارند و نیکوکاران را ایرادی نیست و) خدای متعال در آیه ۹۱ سوره توبه می‌فرماید: (ما علی المحسنين من سبيل بر نیکوکاران راه اشکالی نیست).

[۱۱۲] توبه/سوره ۹، آیه ۹۱.

۴ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من انكر ثلاثه اشياء فليس من شيعتنا: المعراج و المسائله في القبر و الشفاعه».

[۱۱۳] صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۳۷۰.

«هر کس سه چیز را انکار کند، از شیعیان ما نیست ۱ - معراج ۲ - سوال قبر ۳ - شفاعت»

۵ - معاویه بن عمار می‌گوید: «قلت من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه قال نحن اولئك الشافعون».

[۱۱۴] عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶.

[۱۱۵] برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ص ۱۸۳.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم از جمله‌ای که در آیه الکرسی است (کیست که بدون اذن خدا نزد خدا شفاعت کند) فرمود ما هستیم آن شفاعت کنندگان» (که به اذن خدا شفاعت می‌کنند).

۶ - از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: «عن المؤمن هل يشفع في اهلته قال نعم المؤمن يشفع فيشفع».

[۱۱۶] برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ص ۱۸۴.

«آیا مؤمن می‌تواند برای خویشاوندان خود شفاعت کند؟ حضرت فرمود: آری، مؤمن شفاعت می‌کند و شفاعت او پذیرفته می‌شود».

۷ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اذا كل يوم القيامة نشفع في المذنب من شيعتنا فاما المحسنون فقد نجاهم الله».

[۱۱۷] صدوق، محمد بن علی، فضائل الشيعه صدوق، ص ۱۵۹، حدیث چهل و پنجم.

«در روز قیامت ما برای شیعیان گناهکارمان شفاعت می‌کنیم، اما نیکوکاران را خدا نجات داده است» (و شفاعت نمی‌خواهند).

۸ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «يا معشر الشيعة فلا تعودون و تتكلمون على شفاعتنا فوالله لا ينال شفاعتنا إذا ركب هذا (زنا مورد بحث بوده) حتی یصیبه ألم العذاب ویری هول جهنم».

[۱۱۸] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۳-۴۰۴.

امام صادق (علیه السلام) در رساله ای که برای اصحاب خود نوشت این طور مرقوم می‌فرماید: «واعلموا انه ليس يغني عنكم من الله أحد من خلقه شيئاً لا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا من دون ذلك فمن سرّه أن ينفعه شفاعه الشافعين عند الله فليطلب إلى الله أن يرضى عنه»

[۱۱۹] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۱-۴۰۲.

← روایت امام کاظم

- ۱- **ابی بصیر** می‌گوید: «قال ابوالحسن الاول (عليه السلام) انه لما حضراي الوفاه قال لي يا بني انه لاينال شفاعتنا من استخف بالصلو».
- [۱۲۰] **کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴.**
- [۱۲۱] **کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۱۲، ص ۶۸۷.**
- [۱۲۲] **محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۷.**
- [۱۲۳] **صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.**
- [۱۲۴] **محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۶.**

«امام هفتم (عليه السلام) فرمود: پدرم امام صادق هنگام وفاتش به من فرمودای فرزند! شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد».

۲- **امام کاظم (عليه السلام)** می‌فرماید: «کان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: لا تستخفوا بفقراء شيعه على فان الرجل منهم ليشفع لعدد ربيعه و مضر».

- [۱۲۵] **مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵.**
- [۱۲۶] **صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۳۸۳.**
- [۱۲۷] **طبری، قاسم، بشارة المصطفى، ص ۵۵.**

«رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: به **فقراء** و تنگستان شیعیان علی (عليه السلام) استخفاف و بی‌اعتنائی نکنید. زیرا هر یک از آنها برای جمعیتی به اندازه عده دو **قبیله** **ربیعه و مضر** (دو قبیله پر جمعیت و عرب) شفاعت می‌کنند».

۳- **امام کاظم (عليه السلام)** می‌فرماید: «شعیتنا الذین الصلواه و یوتون الزکوه و یحجون البیت الحرام و یصومون شهر رمضان و یوالون اهل البیت و یتبرون من اعدائهم... و ان احدثهم لیشفع فی مثل ربیعه و مضر فیشفعه الله فیهم لکرامته علی الله عزوجل».

- [۱۲۸] **صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعه، ص ۴.**

← روایت امام رضا

۱- **امام رضا (عليه السلام)** از علی (عليه السلام) نقل می‌کند: «من کذب بشفاعه رسول الله لم تنله».

- [۱۲۹] **صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۱.**

«کسی که رسول خدا را تکذیب کند و به آن اعتقاد نداشته باشد شفاعت آن حضرت به او نمی‌رسد».

۲- **امام رضا (عليه السلام)** می‌فرماید: «مذنبوا اهل التوحید لا یخلدون فی النار و یخرجون منها و الشفاعه جائزه لهم...».

- [۱۳۰] **صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۳.**

«گناهکارانی که موحد و خدانشناس باشند مخلد در آتش نخواهند بود پس از مدتی از آتش خارج می‌شوند و شفاعت برای آنها رواست».

۳- **امام رضا (عليه السلام)** از پدران از امیر مؤمنان و او از پیامبر نقل می‌کند که رسول گرامی فرمود: «اربعه انالهم شفیع یوم القیامه المکرّم لذریتی و القاضی لهم حوائجهم و الساعی فی امورهم عند ما اضطروا الیه و المحب لهم بقلبه و لسانه».

- [۱۳۱] **صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳۰.**

- [۱۳۲] **طبری، قاسم، بشارة المصطفى، ص ۷۰.**

«چهار نفرند که من در روز قیامت شفیعشان خواهم بود:

۱. کسی که ذریه و فرزندان مرا گرامی دارد و احترام کند.

۲. کسی که حوائج آنها را بر آورد.

۳. کسی که در انجام کار آنها سعی و کوشش کند هنگامی که به آن کار احتیاج و اضطرار دارند.

۴. کسی که آنها را با زبان و دل دوست داشته باشد».

۴- **امام هشتم** از پدران از امیر مؤمنان از رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) نقل می‌کند: «من لم یؤمن بشفاعتی فلا انا له شفاعتی ثم قال (عليه السلام) انما شفاعتی لاهل الکبائر من امتی فاما المحسنون فما علیهم من سبیل قال الحسن بن خالد فقلت للرّضا - (عليه السلام) - یا بن رسول الله فما معنی قول الله عزوجل «و لا یشفعون الا لمن ارتضی الله دینه».

- [۱۳۳] **صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۵۶.**

«هرکس به شفاعت من **ایمان** نداشته باشد او را **شفاعت** نمی‌کنم سپس فرمود شفاعت من برای آن افراد از امت من است که مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند و اما نیکوکاران که خود اهل نجات هستند. حسین بن خالد راوی حدیث می‌گوید: به امام هشتم (عليه السلام) گفتم پس معنای این آیه «لا یشفعون الا لمن ارتضی: شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که مورد **رضایت خدا** باشد» چیست؟ حضرت فرمود: معنایش این است که شفاعت نمی‌کنند جز برای کسی که دین او مورد رضایت و پسند **خدا** باشد»، (و مسلمان هر چه گناه کار باشد دین او مورد پسند خداوند است).

← روایت امام هادی

۱- **امام دهم (عليه السلام)** در زیارت جامعه می‌فرماید: «ولکم الموده الواجبه و الدرجت الرفیعه و المقام المحمود عندالله عزوجل و الجاه العظیم و الشان الکبیر و الشفاعه المقبوله...».

- [۱۳۴] **صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.**

برای شما **(انمه اطهار)** است مودتی که قرآن واجب کرده است، و درجه‌های بلند و مقام محمود و مقام معلوم در نزد خدا و قدر و منزلتی بزرگ و شفاعت مورد قبول».

← روایت امام عسکری

۱- از **امام حسن عسکری** از امیر مؤمنان (عليه السلام) روایت شده است که در ضمن حدیثی فرمود: «لا یزال المؤمن یشفع حتی یشفع فی جیرانه و خلطانه و معارفه...».

- [۱۳۵] **مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۴.**

«مؤمن پیوسته شفاعت می‌کند تا شفاعت او در باره همسایه‌ها و دوستان و آشنایانش پذیرفته می‌شود»
۲- امام زین در صلواتی که از آن حضرت رسیده است می‌فرماید: «اللهم صل علی سید المرسلین و خاتم النبیین و حجه رب العالمین... المرتجی للشفاعه».

[\[۱۳۶\] محمد بن حسن، طوسی، مصباح المتجهد، ص ۴۰۶.](#)

«بارلها! درود بفرست بر آقای پیامبران مرسل و آخرین پیامبران و حجت خدای عالمیان... همانکه امید به شفاعت او هست».

نکاتی درباره روایت شفاعت

۱- از روایت بخوبی بر می‌آید که پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و پیشوایان معصوم (علیه‌السلام) نخواستند با این گفتارها مردم را به گناه و خلافکاری جری کنند و به آنان جرات **مصیبت** بدهند، بلکه منظور بیان یک واقعیتی است که در جهان پس از **مرگ** واقع خواهد شد و از این رو در برخی از روایت تصریح یا اشاره شده است که مردم نباید به اتکاء شفاعت، خود را به گناه آلوده کنند و از انجام وظائف دینی سر پیچی نمایند. به **حدیث** ۲۱

[\[۱۳۷\] نسائی، حافظ سن نسائی، ج ۲، ص ۲۲۹.](#)

و ۲۶

[\[۱۳۸\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۵۹.](#)

[\[۱۳۹\] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.](#)

[\[۱۴۰\] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۸.](#)

[\[۱۴۱\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۳۴.](#)

و ۳۷

[\[۱۴۲\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۵، ص ۴۷۹.](#)

[\[۱۴۳\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۷، ص ۱۱۷.](#)

و ۹۳

[\[۱۴۴\] صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعه، ص ۴.](#)

و ۸۵

[\[۱۴۵\] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۱-۴۰۲.](#)

و ۸۸

[\[۱۴۶\] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۳-۴۰۴.](#)

و ۹۱

[\[۱۴۷\] کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴.](#)

[\[۱۴۸\] کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۱۲، ص ۶۸۷.](#)

[\[۱۴۹\] محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۷.](#)

[\[۱۵۰\] صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.](#)

[\[۱۵۱\] محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۶.](#)

مراجعه شود.

۲- در روایت ۲

[\[۱۵۲\] صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱.](#)

و ۴۷

[\[۱۵۳\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۲، ص ۵۱۲.](#)

[\[۱۵۴\] نسائی، حافظ، سنن نسائی، حافظ، سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۷۲.](#)

[\[۱۵۵\] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۶۰۳.](#)

[\[۱۵۶\] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۷۳.](#)

[\[۱۵۷\] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۵.](#)

[\[۱۵۸\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۳۴۳.](#)

[\[۱۵۹\] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۴.](#)

که از طریق شیعه و سنی هر دو وارد شده است مقام شفاعت از امتیازات رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) شمرده شده، با اینکه در روایت دیگر، سایر پیامبران (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) هم به عنوان شفاعت کننده معرفی شده‌اند. جمع بین این دو دسته از روایت به این است که؛ می‌توان گفت مقام شفاعتی که برای رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) ثابت است؛ عمومیتی دارد که عمومیت از امتیازات آن حضرت است و به عبارت دیگر در موارد ویژه‌ای رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) می‌تواند شفاعت کند که سایر پیامبران اجازه شفاعت کردن ندارند و کوتاه سخن این که چون مقام آن حضرت از همه بالاتر است مقام شفاعت آن حضرت هم از همه بالاتر و گسترده‌تر می‌باشد، از این رو در حدیث ۱۲ خواندیم که پیامبر فرمود: هنگامی که قیامت برپا شود من پیشوای **انبیاء** و سخن‌گو و صاحب شفاعت ایشان هستم.

[\[۱۶۰\] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.](#)

[\[۱۶۱\] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.](#)

۳- این که در روایت مربوط به شفاعت **مؤمنین** عبارات مختلفی آمده است در برخی آمده است که، مؤمن جمعیتی بیش از جمعیت دو قبیله بزرگ عرب را شفاعت می‌کند (حدیث ۳۲

[\[۱۶۲\] مالک بن انس، مالک بن انس، موطا مالک، ج ۲، ص ۵۴.](#)

[\[۱۶۳\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۰، ص ۳۱۴.](#)

[\[۱۶۴\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۴، ص ۱۷۰.](#)

(و در برخی آمده است بیش از یک قبیله بزرگ (حدیث ۳۱

[\[۱۶۵\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۳۶.](#)

[\[۱۶۶\] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۸، ص ۱۴۹.](#)

[\[۱۶۷\] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۷.](#)

(و در برخی یک **قبیله** (حدیث ۳۴

[\[۱۶۸\] ابن حنبل، احمد بن محمد، ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۲۰۱.](#)

(و در برخی ۴۰ نفر (حدیث ۵۴

[۱۶۹] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۳.

(و در برخی ۳۰ نفر (حدیث ۷۱

[۱۷۰] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۷.

(و در برخی ۱۰ نفر (حدیث ۲۹

[۱۷۱] ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۱.

[۱۷۲] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۸.

[۱۷۳] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۶.

(و در برخی دونفر و یک نفر؛ گویا به خاطر درجات ایمان و بیش و کمی اعمال صالحه آنها است چنانچه در روایت (۷۰) خوانندیم: «یشفع لرجل فی القبله و یشفع الرجل لاهل البیت و یشفع الرجل للرجلین علی قدر عمله»

[۱۷۴] سروی مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۱۴.

۴ - این که در قسمتی از روایت خوانندیم **روزه، امانت، تقوی، صلوات و درود بر محمد و آل او** فرستادن، قرائت قرآن و **توسل** به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از انسان شفاعت می کند بنابراین تجسم اعمال معنایش بسیار روشن است و احتیاجی به توضیح ندارد.

۵ - برخی از روایاتی که در این بخش نقل شد مورد قبول همه **مسلمانان** است و واضح است که چنین روایتی برای هر شخص با انصافی اطمینان آور است مثلاً **مرحوم طبرسی** در **مجمع البیان** درباره حدیث «ادخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» که از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده می نویسد: این روایت را همه مسلمین (سنی و شیعه) قبول کرده اند.

[۱۷۵] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۶ - پس از مطالعه و دقت در این روایت به این نتیجه می رسیم که روایت تفصیل همان مطالبی هستند که اجمالاً از آیه **قرآن مجید** استفاده می شود (به بحث شفاعت از نظر قرآن مراجعه کنید) و روایاتی که در قرآن مجید مضامین آنها را تاکید کند احتیاج به بحث در سند ندارند به ویژه که در این مقاله در صدد اثبات جزئیاتی که در روایت آمده است نبوده و نیستیم.

← جمع بین روایت

در برخی از روایات مانند (حدیث ۸۹

[۱۷۶] صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعه صدوق، ص ۱۵۹، حدیث چهل و پنجم.

(آمده است که روز قیامت همه مردم به شفاعت رسول اکرم نیازمند هستند؛ و در مقابل از برخی روایات مانند (حدیث ۷۶

[۱۷۷] صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۷۴.

و ۸۰

[۱۷۸] صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعه صدوق، ص ۱۵۹، حدیث چهل و پنجم.

و ۹۷

[۱۷۹] صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۵۶.

(برمی آید که، کسانی که گناهکار نباشند و یا از گناه توبه کرده باشند بدون شفاعت اهل نجات هستند جمع میان این دو دسته روایت به این است که بگوئیم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دو جور شفاعت دارد.

الف - شفاعتی که عمومی است و دامنه اش حتی پیامبران را هم می گیرد یعنی همه افراد حتی پیامبران به توسط آن بزرگوار از **رحمت الهی** برخوردار می شوند و نتیجه آن ترفیع درجه و نیل به مقامت بلند خواهد بود و شفاعت به این معنی درباره همه متصور است.

ب - شفاعت به معنای خاص که مربوط به گناهکارانی است که بدون توجه از دنیا رفته باشند. و واضح است که نیکوکاران و کسانی که اهل گناه نبوده و یا اگر بوده اند توبه کرده اند بدون شفاعت وارد بهشت می شوند و بلکه همانطور که از روایت استفاده می شود خودشان، دیگر افراد را شفاعت می کنند.

← اقسام روایت شفاعت

دسته اول - روایاتی است که می گوید شفاعت باعث می شود که شخص گناهکار از رفتن به **جهنم** بخشوده شود.

دسته دوم - روایاتی است که دلالت می کند بر این که شفاعت موجب می شود گناهکاری که به جهنم رفته است از جهنم نجات یابد.

دسته سوم - روایاتی است که از آنها استفاده می شود برخی از گناهکاران پس از آنکه مدتها در جهنم می مانند آنگاه آن داده می شود که شفاعت کنندگان، آنان را شفاعت کنند (به روایت ۲۶ مراجعه شود).

[۱۸۰] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۵۹.

[۱۸۱] ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۱.

[۱۸۲] دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۸.

[۱۸۳] ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۳۴.

دسته چهارم - روایاتی است که می گوید عده ای اصلاً شفاعت نمی شوند و برای همیشه باید در عذاب و جهنم باشند.

بنابراین روایاتی که می گویند هر کس ذره ای **ایمان** داشته باشد شفاعت می شود با روایاتی که می گویند کسی که مثلاً **نماز** را سبک بشمارد شفاعت نمی شود منافات ندارد زیرا کسی که ایمان به خدا داشته باشد سرانجام شفاعت خواهد شد اما ممکن است سالیان دراز به خاطر برخی از گناهان و خلاقکار بیباهش معذب باشد تا اجازه شفاعت او صادر گردد.

مدارک روایت

در پایان لازم است به نام خصوصیت کتابهایی که متون حدیثی را، از آن کتابها گرفته ایم اشاره کنیم تا روشن گردد که این روایت از مدارک معتبر و دست اول شیعه و سنی نقل شده است.

- ۱- کافى، تالیف **محمد بن یعقوب کلینی**، متوفای ۳۲۸ چپ آخوندی.
 - ۲- من لا یحضره الفقیه، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ نجف.
 - ۳- ت- **هذیب الاحکام**، تالیف **شیخ طوسی**، متوفای ۴۶۰ چپ نجف.
 - ۴- صفات الشیعه، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ نجف.
 - ۵- فضائل الشیعه، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ نجف.
 - ۶- ثواب الاعمال، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ غفاری.
 - ۷- امالی، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ قم.
 - ۸- عیون اخبار الرضا، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ قم.
 - ۹- خصال، تالیف **شیخ صدوق**، متوفای ۳۸۱ چپ غفاری.
 - ۱۰- امالی، تالیف **شیخ طوسی**، متوفای ۴۶۰ چپ قدیم.
 - ۱۱- تفسیر **علی بن ابراهیم قمی**، (سده سوم) چپ خشتی.
 - ۱۲- تفسیر **عیاشی**، (سده سوم) چپ قم.
 - ۱۳- نهج البلاغه علی (علیه السلام)، تالیف **سید رضی**، متوفای ۴۰۶ چپ مصر با شرح عبده.
 - ۱۴- تفسیر **مجمع البیان**، تالیف **شیخ طبرسی**، متوفای ۵۴۸ چپ اسلامیة.
 - ۱۵- مناقب **ابن شهر آشوب**، متوفای ۵۸۸ چپ نجف.
 - ۱۶- بشارة **المصطفی**، تالیف **عمادالدین طبری**، (سده ششم) چپ دوم نجف.
 - ۱۷- محاسن **برقی**، (سده سوم) چپ تهران.
 - ۱۸- تفسیر **فرات کوفی**، (سده سوم) چپ نجف.
 - ۱۹- اختصاص، تالیف **شیخ مفید**، متوفای ۴۱۳ چپ تهران.
 - ۲۰- صحیفه **سجادیه**، دعاهاى حضرت سجاد (علیه السلام)، چپ آخوندی.
 - ۲۱- مصباح **المتهدد** **شیخ طوسی**، متوفای ۴۶۰ چپ قدیم.
- و بدین ترتیب مدارک ما از کتابهای شیعه مربوط به سده سوم تا ششم هجری می باشد.

← کتابهای اهل تسنن

- ۲۲- صحیح **بخاری**، تالیف **محمد بن اسماعیل بخاری** متوفای ۲۵۶ چپ کتب الشعب ۹ جزء در سه جلد.
- ۲۳- صحیح **مسلم**، متوفای ۲۶۱ چپ مصر ۱۳۳۴ هـ ق ۸ جزء در دو جلد.
- ۲۴- مسند **احمد حنبل**، متوفای ۲۴۱ چپ مصر در شش جلد.

پانویس

۱. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۰.
۲. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۳۰۹.
۳. ↑ مالک بن انس، موطا مالک، ج ۱، ص ۱۶۶.
۴. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۰.
۵. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، دارمی، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۰.
۶. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۸۹.
۷. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۶۷.
۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۲، ص ۵۱۲.
۹. ↑ نسائی، حافظ، نسائی، حافظ، سن نسائی، ج ۱، ص ۱۷۲.
۱۰. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۶۰۳.
۱۱. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۷۳.
۱۲. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۵.
۱۳. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۳۴۳.
۱۴. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۴.
۱۵. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۳۰۹.
۱۶. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۵، ص ۴۲۷.
۱۷. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۱، ص ۱۸۵.
۱۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۴۸۹.
۱۹. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۸.
۲۰. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۷.
۲۱. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۹۴.
۲۲. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۴۱۷.
۲۳. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۳، ص ۴۳۲.
۲۴. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.
۲۵. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۰، ص ۴۳۹.
۲۶. ↑ سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۲۳۶.
۲۷. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۵.

۲۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۴۵، ص ۳۳۹.
۲۹. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۱.
۳۰. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۸۸.
۳۱. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۹۸.
۳۲. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۴.
۳۳. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.
۳۴. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.
۳۵. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۰.
۳۶. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۲.
۳۷. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۶، ص ۵۷۰.
۳۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۸، ص ۲۹.
۳۹. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۷۱۵.
۴۰. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.
۴۱. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۳، ص ۱۲۸.
۴۲. ↑ سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۳۶.
۴۳. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.
۴۴. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۲۵۶.
۴۵. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۲۹.
۴۶. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳، ص ۹۴.
۴۷. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۷۸.
۴۸. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۱۵.
۴۹. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.
۵۰. ↑ نسائی، حافظ بن نسائی، ج ۲، ص ۲۲۹.
۵۱. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۴، ص ۹۰.
۵۲. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۲، ص ۳۷۴.
۵۳. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۴۱.
۵۴. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۹۵.
۵۵. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۵۹.
۵۶. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.
۵۷. ↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۸.
۵۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۳۴.
۵۹. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۳، ص ۶۳.
۶۰. ↑ سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۵.
۶۱. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۴۱۹.
۶۲. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۸۷.
۶۳. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۱.
۶۴. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۸.
۶۵. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۶.
۶۶. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۹، ص ۴۴۵.
۶۷. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۱۸.
۶۸. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۳۶.
۶۹. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۸، ص ۱۴۹.
۷۰. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۷.
۷۱. ↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۱۵.
۷۲. ↑ مالک بن انس، مالک بن انس، موطا مالک، ج ۲، ص ۵۴.
۷۳. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۰، ص ۳۱۴.
۷۴. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۴، ص ۱۷۰.
۷۵. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۵، ص ۴۷۹.
۷۶. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۷، ص ۱۱۷.
۷۷. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۲۰۱.
۷۸. ↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۶.
۷۹. ↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۳، ص ۱۳۰.
۸۰. ↑ ابن ماجه، محمد، ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۹.
۸۱. ↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۱، ص ۴۱۳.
۸۲. ↑ سجستانی، ابی داوود، سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۶.
۸۳. ↑ سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۴.
۸۴. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۸۸.
۸۵. ↑ ترمذی، محمد، ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.

٨٦. ↑ نَسَائِي، حَافِظ نَسَائِي، حَافِظ سَن نَسَائِي، ج ٢، ص ٢٥.
٨٧. ↑ اِبْن حَنِيَل، اَحْمَد بِن مَحْمَد، مَسْنَد اَحْمَد، ج ١١، ص ١٢٨.
٨٨. ↑ سُرُوِي مَاز نَدْرَانِي، اِبْن شَهْر اَشُوْب، مَنَاقِب اِبْن شَهْر اَشُوْب، ج ٢، ص ١٥.
٨٩. ↑ طَبْرِسِي، فَضْل بِن حَسَن، مَجْمَع البَيَان، ج ١، ص ٢٠٢.
٩٠. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ١، ص ٢٤٠-٢٤١.
٩١. ↑ مَحْمَد بِن حَسَن، طُوْسِي، اَلْاِمَالِي، ص ٥٧.
٩٢. ↑ طَبْرِسِي، فَضْل بِن حَسَن، مَجْمَع البَيَان، ج ١٠، ص ١٨٨.
٩٣. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ٣، ص ٣٧٤.
٩٤. ↑ سُرُوِي مَاز نَدْرَانِي، اِبْن شَهْر اَشُوْب، مَنَاقِب، ج ٢، ص ١٤.
٩٥. ↑ سَبْحَانِي، جَعْفَر، مَنَشُوْر جَاوِيْد، ج ٨، ص ٣٩٣.
٩٦. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، خِصَال صَدُوْق، ص ٦٢٤.
٩٧. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، خِصَال، ص ١٥٦.
٩٨. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ٤، ص ٣٩١.
٩٩. ↑ اِمَام عَلِي، نَهْج البَلَاغَه، خُطْبَه ١٦٩.
١٠٠. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، اِمَالِي صَدُوْق، ص ٣٧٠.
١٠١. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، خِصَال، ص ٣٥٥.
١٠٢. ↑ اَحْمَدِي مِيَانْجِي، عَلِي، مَكَاتِيْب الْاِنْمَةِ، ج ٣، ص ١١١.
١٠٣. ↑ اِمَام سَجَاد، صَحِيْفَه سَجَادِيَه، دَعَاي دُوْم، ص ٤٣.
١٠٤. ↑ اِمَام سَجَاد، صَحِيْفَه سَجَادِيَه، دَعَاي چَهْل و دُوْم، ص ٢١٥.
١٠٥. ↑ بَرَقِي، اَحْمَد بِن مَحْمَد، المَحَاسِن، ص ١٨٤.
١٠٦. ↑ مَحْمَد بِن حَسَن، شَيْخ طُوْسِي، تَهْذِيْب الْاِحْكَام، ج ٢، ص ٤٥٥.
١٠٧. ↑ سُرُوِي مَاز نَدْرَانِي، اِبْن شَهْر اَشُوْب، مَنَاقِب، ج ٢، ص ١٤.
١٠٨. ↑ سَبْحَانِي، جَعْفَر، مَنَشُوْر جَاوِيْد، ج ٨، ص ٣٩٧.
١٠٩. ↑ سُرُوِي مَاز نَدْرَانِي، اِبْن شَهْر اَشُوْب، مَنَاقِب اِبْن شَهْر اَشُوْب، ج ٢، ص ١٤.
١١٠. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، صِفَات الشِّيْعَه صَدُوْق، ص ٣٦.
١١١. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ٣، ص ٥٧٤.
١١٢. ↑ تُوْبَه/سُوْر ٩، آيَه ٩١.
١١٣. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، اِمَالِي صَدُوْق، ص ٣٧٠.
١١٤. ↑ عِيَاشِي، مَحْمَد بِن مَسْعُوْد، تَفْسِيْر عِيَاشِي، ج ١، ص ١٣٦.
١١٥. ↑ بَرَقِي، اَحْمَد بِن مَحْمَد، المَحَاسِن، ص ١٨٣.
١١٦. ↑ بَرَقِي، اَحْمَد بِن مَحْمَد، المَحَاسِن، ص ١٨٤.
١١٧. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، فَضَائِل الشِّيْعَه صَدُوْق، ص ١٥٩، حَدِيْث چَهْل و پَنْجَم.
١١٨. ↑ سَبْحَانِي، جَعْفَر، مَنَشُوْر جَاوِيْد، ج ٨، ص ٤٠٣-٤٠٤.
١١٩. ↑ سَبْحَانِي، جَعْفَر، مَنَشُوْر جَاوِيْد، ج ٨، ص ٤٠١-٤٠٢.
١٢٠. ↑ كَلْبِيْنِي، يَعْقُوْب، اَصُوْل كَافِي، ج ٦، ص ٢٤.
١٢١. ↑ كَلْبِيْنِي، يَعْقُوْب، اَصُوْل كَافِي، ج ١٢، ص ٦٨٧.
١٢٢. ↑ مَحْمَد بِن حَسَن، شَيْخ طُوْسِي، تَهْذِيْب، ج ٩، ص ١٠٧.
١٢٣. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ١، ص ٢٠٦.
١٢٤. ↑ مَحْمَد بِن حَسَن، شَيْخ طُوْسِي، تَهْذِيْب، ج ٩، ص ١٠٦.
١٢٥. ↑ مَجْلِسِي، مَحْمَد بَاقِر، بَحَار الْاِنْوَار، ج ٧٢، ص ٣٥.
١٢٦. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، اَلْاِمَالِي، ص ٣٨٣.
١٢٧. ↑ طَبْرِسِي، قَاسِم، بَشَارَةُ المَصْطَفِي، ص ٥٥.
١٢٨. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، صِفَات الشِّيْعَه، ص ٤.
١٢٩. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، عِيُوْن اَخْبَار الرِّضَا، ج ٢، ص ٧١.
١٣٠. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، عِيُوْن اَخْبَار الرِّضَا، ج ١، ص ١٣٣.
١٣١. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، عِيُوْن اَخْبَار الرِّضَا، ج ٢، ص ٢٣٠.
١٣٢. ↑ طَبْرِسِي، قَاسِم، بَشَارَةُ المَصْطَفِي، ص ٧٠.
١٣٣. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، اِمَالِي صَدُوْق، ص ٥٦.
١٣٤. ↑ صَدُوْق، مَحْمَد بِن عَلِي، مَن لَا يَحْضُرُه الفَقِيْه، ج ٢، ص ٦١٦.
١٣٥. ↑ مَجْلِسِي، مَحْمَد بَاقِر، بَحَار الْاِنْوَار، ج ٨، ص ٤٤.
١٣٦. ↑ مَحْمَد بِن حَسَن، طُوْسِي، مَصْبِيْح المْتَهَجِد، ص ٤٠٦.
١٣٧. ↑ نَسَائِي، حَافِظ نَسَائِي، ج ٢، ص ٢٢٩.
١٣٨. ↑ اِبْن حَنِيَل، اَحْمَد بِن مَحْمَد، مَسْنَد اَحْمَد، ج ١٧، ص ٥٩.
١٣٩. ↑ اِبْن مَلْجَه، مَحْمَد، سَنَن اِبْن مَلْجَه، ج ٢، ص ١٤٤١.
١٤٠. ↑ دَار مِي، عَبْدِالله بِن عَبْدِ الرَّحْمَنِ، سَنَن دَار مِي، ج ٢، ص ١٨٥٨.
١٤١. ↑ اِبْن حَنِيَل، اَحْمَد بِن مَحْمَد، مَسْنَد اَحْمَد، ج ١٧، ص ١٣٤.
١٤٢. ↑ اِبْن حَنِيَل، اَحْمَد بِن مَحْمَد، مَسْنَد اَحْمَد، ج ٢٥، ص ٤٧٩.

۱۴۳. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۷، ص ۱۱۷.](#)
۱۴۴. [↑ صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعه، ص ۴.](#)
۱۴۵. [↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۱-۴۰۲.](#)
۱۴۶. [↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۴۰۳-۴۰۴.](#)
۱۴۷. [↑ کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴.](#)
۱۴۸. [↑ کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۱۲، ص ۶۸۷.](#)
۱۴۹. [↑ محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۷.](#)
۱۵۰. [↑ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.](#)
۱۵۱. [↑ محمد بن حسن، شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۶.](#)
۱۵۲. [↑ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱.](#)
۱۵۳. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۲، ص ۵۱۲.](#)
۱۵۴. [↑ نسائی، حافظ، سنن نسائی، حافظ، سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۷۲.](#)
۱۵۵. [↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۶۰۳.](#)
۱۵۶. [↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۷۳.](#)
۱۵۷. [↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۵.](#)
۱۵۸. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۳۵، ص ۳۴۳.](#)
۱۵۹. [↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۴.](#)
۱۶۰. [↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۶.](#)
۱۶۱. [↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۳.](#)
۱۶۲. [↑ مالک بن انس، مالک بن انس، موطا مالک، ج ۲، ص ۵۴.](#)
۱۶۳. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۰، ص ۳۱۴.](#)
۱۶۴. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۴، ص ۱۷۰.](#)
۱۶۵. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۲۳۶.](#)
۱۶۶. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۸، ص ۱۴۹.](#)
۱۶۷. [↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۷.](#)
۱۶۸. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲۸، ص ۲۰۱.](#)
۱۶۹. [↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۳.](#)
۱۷۰. [↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۸، ص ۳۹۷.](#)
۱۷۱. [↑ ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۱.](#)
۱۷۲. [↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۸.](#)
۱۷۳. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۶.](#)
۱۷۴. [↑ سروی مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۱۴.](#)
۱۷۵. [↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲.](#)
۱۷۶. [↑ صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعه صدوق، ص ۱۵۹، حدیث چهل و پنجم.](#)
۱۷۷. [↑ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۷۴.](#)
۱۷۸. [↑ صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعه صدوق، ص ۱۵۹، حدیث چهل و پنجم.](#)
۱۷۹. [↑ صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۵۶.](#)
۱۸۰. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۵۹.](#)
۱۸۱. [↑ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.](#)
۱۸۲. [↑ دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۸۵۸.](#)
۱۸۳. [↑ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۳۴.](#)

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «شفاعت در احادیث اسلامی»، تاریخ بازیابی ۹۵/۸/۸.

رده‌های این صفحه: شفاعت | کلام اسلامی | مقالات اندیشه قم